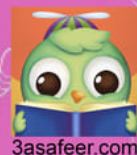


Author : Merif Al-Baltaji
Illustrator : Yousef Zidan



Among the Roots

در میان ریشه‌های درختان

رونی همراه با کرم‌های باغچه‌ی خود به سفری ماجراجویانه به زیر زمین می‌رود تا از سهم و نقش کرم‌ها در بارور شدن باغچه‌اش آگاه گردد و از این کار آن‌ها قدردانی کند.

در میان ریشه‌های گیاهان
نویسنده: میریف الباتاقی
نقاش: یوسف زیدان
برگردان به فارسی: کتاب‌خانه‌ی درخت دانش
برگرداننده به فارسی: کاوه آهنگر



3asafeer.com



The original work of this book was made possible through the generous support of the All Children Reading: A Grand Challenge for Development (ACR GCD) Partners (the United States Agency for International Development (USAID), World Vision, and the Australian Government). It was prepared by Asafeer Education Technologies FZ LLC and does not necessarily reflect the views of the ACR GCD Partners. Any adaptation or translation of this work should not be considered an official ACR GCD translation and ACR GCD shall not be liable for any content or error in this translation.





رونی، رونی! بیا بیرون و ببین که در باغچه‌ی خانه‌ات چی اتفاق افتاده است.



رونی، این موضوع مهمی است، چرا خودت نمی‌روی تا از نزدیک آن را ببینی؟



نگفتم که موضوع مهمی است؟ آیا این‌ها مارهای کوچک هستند؟ این‌ها تمام ترکاری‌هایت را می‌خورند. باغچه‌ات را نابود می‌کنند. طرف مه بل بل نین، باید یک کاری کنی. آیا ترسیده‌ای؟



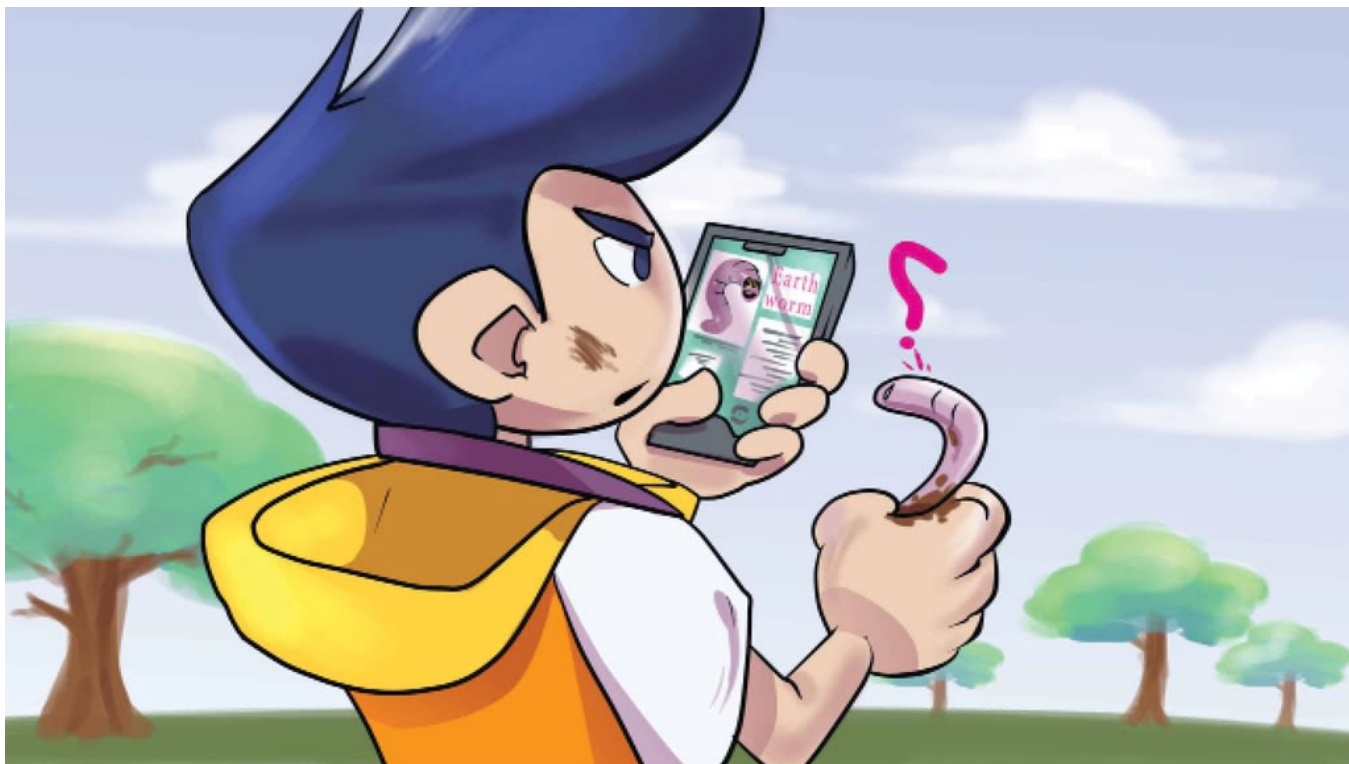
فوراً این‌ها را بگیر و از باغچه‌ات بیرون بپنداز. وی! تو بیچاره، در بین گل و لای افتادی.



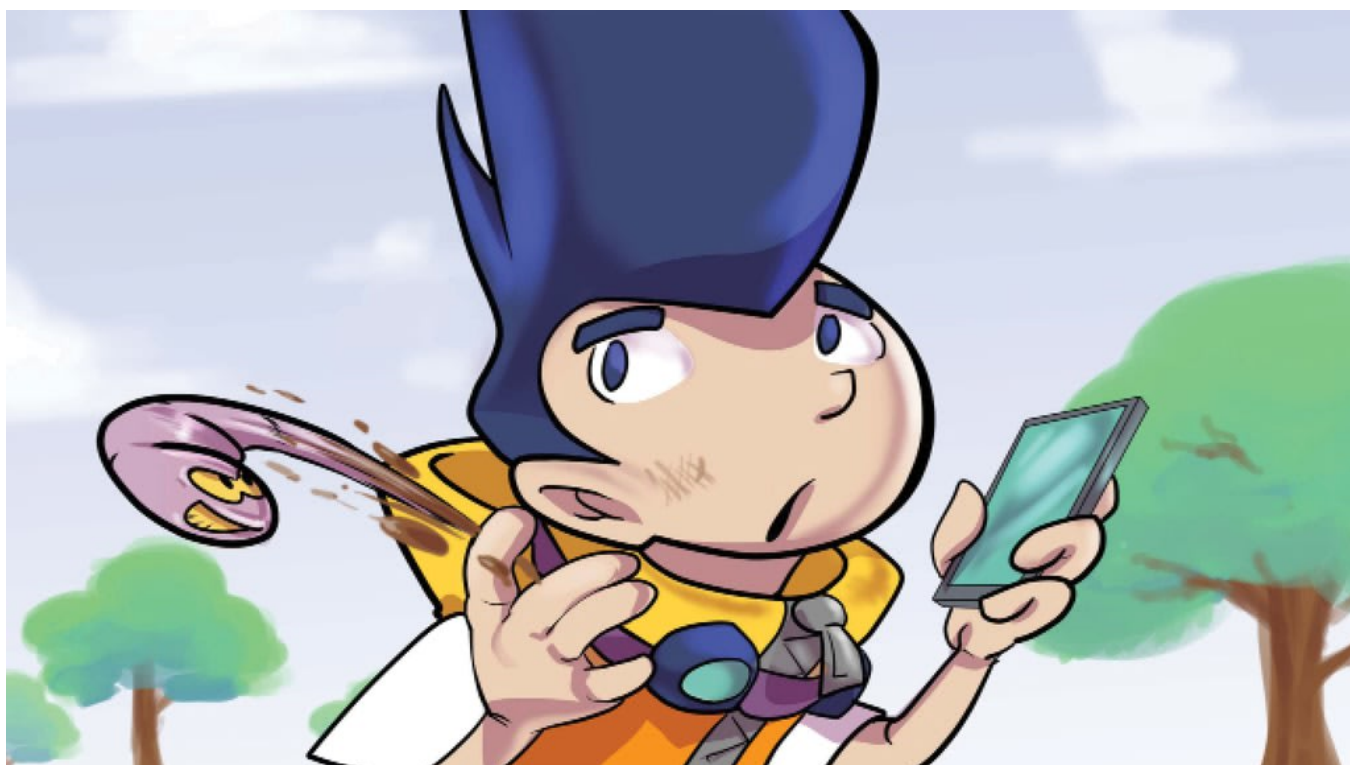
آن‌ها را ببین، بر تو می‌خندند. آیا می‌خواهی که این موجودات کوچک برنده شوند؟ فکر می‌کردم تو یک قهرمان فوق‌العاده هستی.



خیلی خوب، آفرینت! این‌ها چی هستند؟ قواری شان به مارهای کوچک می‌ماند.



اممممم. . . پس این ها کرم هستند! خیلی خوب، دیگر چی؟



متوجه باش که کرم فرار کرد.



بگیرش! نمان که فرار کند! سریع‌تر حرکت کن. بین آنجا نزدیک درخت انار ایستاد شد.



اوه! کرم فرار کرد! آیا واقعاً می‌خواهی که پیدایش کنی؟ بسیار خوب، پس همان کاری را انجام بده که او انجام داد.
دیدي که او سه بار به درخت انار ضربه زد. تو هم همین کار را بکن. اگر فایده نکند، نقص خو هیچ ندارد.

واو! تو کجا رفتی؟
اینجا کجا است؟ متوجه سرت باش!
احتیاط کن!



این کرم از تو چی می‌خواهد؟ فکر می‌کنم می‌خواهد چیزی برایت بگوید.



صبرکن! ببین، این کرم خطرناک معلوم نمی‌شود. فکر می‌کنم او از تو می‌خواهد که سوارش شوی.
آیا تو ترسیده‌ای؟ چرا نمی‌خواهی کرم‌سواری را یک امتحان کنی؟ چه چیزی را از دست خواهی داد؟
هه هه هه... بلی، پشت کرم چسبناک و لغزنده است، اما این، یک کار جالب است. بیا به پشت کرم خیز بزن، نمی‌بینی که او اصرار دارد؟



آیا اینجا جایی است که این کرم زنده‌گی می‌کند؟ جای بسیار عجیبی است.
چی فکر می‌کنی در آن سوراخ بزرگ روبرو چی است؟



به نظر می‌رسد که آنجا محل ذخیره غذا باشد. اما ترکاری‌ها و میوه‌هایی که اینجا هستند، همه گندیده شده‌اند. چگونه او این‌ها را می‌خورد؟



آها! این کرم هیچ دندان ندارد. فهمیدم این کرم به عوض جویدن ترکاریها و میوه‌ها، آب آن‌ها را می‌چوشد.
رونی! آیا تو هم به همان چیزی فکر می‌کنی که من فکر می‌کنم؟



آن چی است؟ این کرم حالا ترا کجا می برد؟ آیا می خواهد ریشه های گیاهان را بخورد؟ این خیلی بد است.
نخیر، او ریشه ها را نمی خورد، پس می خواهد چی کند؟



او از تو کمک می‌خواهد. او از تو می‌خواهد که در اطراف ریشه‌ها تونل بکنی تا ریشه‌های
آنها گنده نشوند.
رونی! آیا تو هم به همان چیزی فکر می‌کنی که من فکر می‌کنم؟



رونی، من متاسف هستم. نباید به عجله در مورد این کرم قضاوت می‌کردم. این کرم در حقیقت نباتات و میوه‌های گندیده شده را از باغچه پاک می‌کند. او همچنان در اطراف ریشه‌های درختان تونل می‌کشد تا هوا به آن جا راه پیدا کند تا ریشه‌ها گنده نشوند.



رونی، حالا تو می‌توانی خانه بروی و تلویزیون تماشا کنی. رونی، تو کجا هستی؟ شما کجا می‌روید؟



واو، عجب اتاق قشنگی! به طرف چپ ببین که پیله‌های شان شور می‌خورند. معلوم می‌شود که نوزادان این‌ها تولد می‌شوند. اما، چه چیزی از درون پیله‌ها بیرون خواهد آمد؟



اوہ! یک کرمک نرم و چوچه.



رونی، فکر می‌کنم حالا وقت رفتن است.
بین من دوباره بزرگ شدم، قبل از این که برنامه تلویزیونی دل‌خواهت خلاص شود، تو هم
خانه بیا!



رونی، چرا به من جواب نمی‌دهی؟ کجا رفتی؟

پایان